دورنمایی از عصر امام عسکری علیه السلام

علیرضا جعفری

بسم الله الرحمن الرحیم

رنمایی از عصر امام عسکری (صلوات الله علیه)

نویسنده:

علیرضا جعفری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دورنمایی از عصر امام عسکری علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان : دورنمایی از عصر امام عسکری (صلوات الله علیه)

پدیدآورندگان : امام حسن عسکری علیه السلام(توصیف گر)

علیرضا جعفری(پدیدآور)

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

صاحب محتوا : موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر : شهادت

خلفای بنی عباس

وضعیت نشر : قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش : -

خلاصه :

مخاطب :

یادداشت : ,ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+ ؛ با پشتیبانی متون عربی؛ + IE۶شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه نمایش عنوانداده های الکترونیکیمنشأ مقاله: ماهنامه کوثر، مرداد ۱۳۷۷، شماره ۱۷

شناسه : oai:tebyan.net/۶۰۵۹

تاریخ ایجاد رکورد : ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ تغییر رکورد : ۱۳۸۷/۱۲/۳

تاریخ ثبت : ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال : رایگان

مقدمه

یکی از راههای پی بردن به شخصیت واقعی انسانها، آگاهی از زمان آنهاست. با توجه بدین حقیقت، برآنیم تا نگاهی گذرا به عصر امام عسکری (علیه السلام) بیفکنیم تا بخشی از عظمت شخصیت تابناك آن امام معصوم را دریابیم.

دوران کودکی

امام عسکری (علیه السلام) در دوران کودکی شاهد اهانتهای متوکل عباسی به اهل بیت عصمت (علیهم السلام) ، به ویژه پدر بزرگوارش امام هادی (علیه السلام) ، بود. او می‌دید دشمن زیارت جدش امام حسین (علیه السلام) را ممنوع و حتی مزار مقدسش

را با خاک یکسان کرده است. متوکل به خاطر احساس ترس از گرایش مردم به اهل بیت (علیهم السلام) فرمان داد امام هادی (علیه السلام) و خانـدانش را دسـتگیر و از مـدینه به سامرا منتقل کنند. امام عسکری (علیه السلام) یورشـهای ناجوانمردانه و دور از ادب ماموران حکومت به خانه پدرش را مشاهده کرد و سرانجام در شهادت مظلومانه پدر ارجمندش به سوگ نشست.

فرمانروایان آن روزگار

بنی‌عباس، کـه پس از بنی‌امیه بـا زور و تزویر بـه حکـومت دسـت یافتنـد، برای مردم چیزی جز وحشـت، اختنـاق و سـتم به ارمغـان نیاوردنـد. آنهـا جنگیدنـد، غـارت کردنـد و مردم را در بیچارگی، فقر و انـدوه فروبردنـد. امویان کافرانه و آشـکارا به اسـلام ضـربه می‌زدند، ولی عباسـیان منافقانه و پنهانی. فرزندان عباس در پی آن بودند که با رنگ دین به نظام سیاسـی خویش تقدس بخشند، اما تفکر اهل بیت سـدی اسـتوار در برابر هواهای نفسانی‌شان پدیـد آورده بود. آنها در ظاهر خویش را جانشـینان رسول خدا(صـلی الله علیه و آله و سلم) معرفی می‌کردنـد، باعوام فریبی به نام دین از مردم بهره می‌کشیدند و اهـداف خود را پیش می‌بردند. سـتمگران بنی‌عبـاس، در سـایه زور و تزویر، از کیسه بیت‌المـال کاخهـای باشـکوه می‌ساختنـد، مـاموران و چاپلوسان را ثروتمنـد می‌ساختنـد و بی‌خبر از وضـعیت دشوار زندگی مردم به خوشـگذرانی می‌پرداختند. فاصـله طبقات فقیر و غنی هر روز بیشتر می‌شد. و سـرنیزه‌های حکومت برای خاموش ساختن فریاد اعتراض مردم تیزتر.

خلفای دوران امام

خلفایی که همزمان با امامت حضرت عسکری (علیه السلام) قدرت را در دست داشتند، عبارتند از: ۱- متوکل بیش از چهارده سال؛ (۲۳۲ – ۲۴۷) ۲- منتصـر (فرزند متوکل)۹ مـاه؛ (۲۴۷– ۲۴۸) ۳- مسـتعین (فرزنـد متوکـل) سه سال و انـدی؛ (۲۴۸– ۲۵۲) ۴- معتز (فرزند متوکل) حدود چهار سال؛ (۲۵۲– ۲۵۵) ۵- مهتدی ۱۱ ماه؛ (۲۵۵– ۲۵۶) ۶- معتمد (فرزند متوکل)۲۳ سال؛ (۲۵۶– ۲۷۹) در زمان این جنایتکاران مظلومیت شیعه فزونی یافت و بسـیاری از شـیعیان به طرز فجیعی به شـهادت رسـیدند. شدت ستم چنان بود که خودکامگـان گـاه پیکرهـای پاک شـهیدان را نیز آماج بی‌حرمتیهای خود قرار می‌دادنـد. در این زمان کانون تفکرات ناب شـیعه ای حضـرت امـام حسـن عسـکری (علیـه السـلام) نیز پیوسـته مـورد آزار و اهـانت قرار می‌گرفـت. هر چنـد آن بزرگـوار نیز چـون پـدر گرانقـدرش به رعـایت احتیـاط و تقیه پـای می‌فشـرد؛ ولی شـمار جاسوسان به انـدازه‌ای بود که گاه مراعات همه جوانب احتیاط نیز سودمند واقع نمی‌شد. سـبب اصـلی این فشارها و سـختگیریها علاقه شدید مردم به اهل بیت (علیهم السلام) و نیز روایتهای متواتر در باره قائم بودن فرزند امام عسکری (علیه السلام) بود.

شورشها

در روزگار امام افراد و گروههایی، که برخی از آنها مورد تایید حضرت نیز بودند، آشکارا علیه حکومت فاسد شوریدند. مسعودی، مورخ مشـهور، در تاریـخ خویش به قیامهای آن عصـر چنین اشاره می‌کند: ۱- قیـام کوفه به رهبری یحیی بن‌عمر طـالبی (ازنوادگان جعفر طیـار) که در سال۲۴۸ روی داد و سـرانجام با شـهادت یحیی فروکش کرد؛ ۲- انقلاـب حسن بن زیـد علوی (از نوادگان امام علی «ع») در طبرسـتان؛ (گرگان و مازنـدران) حسن بن‌زیـد، پس ازنبردی شدیـد، حکومت منطقه را به دست گرفت و در سال ۲۷۰ وفات یافت؛ ۳- قیام ری به رهبری محمـد بن جعفر که در سال ۲۵۰ تحقق یافت. محمد سرانجام دستگیر شد؛ ۴- قیام قزوین که در سال ۲۵۰ به رهبری حسن بن‌اسـماعیل کرکی به وقوع پیوست؛ ۵- قیام سال ۲۵۱ کوفه به رهبری ابن‌حمزه؛ ۶- قیام بصره به رهبری صاحب زنج که درسال ۲۵۵ شروع شد و ۱۵ سال ادامه یافت؛ ۷- قیام یعقوب لیث صفار در سیستان که در ۲۶۲ آغاز شد.

اندیشه‌های پلید خلفا درباره امام

شیخ حر عاملی، ازدانشوران قرن دوازدهم، می‌نویسد: سید بن طاوس در کتاب مهج‌الدعوات گفته است: درعصر امام عسکری (علیه السلام) سه تن از خلفا (مستعین، معتز و مهتدی) اندیشه قتل حضرت را در سر می‌پروراندند؛ چون شنیده بودند که امام مهدی (علیه السلام) از نسل اوست. آنها چندین بار امام را به زندان افکندند. حضرت برخی از آنها را نفرین کرد و آن ستمگران به زودی هلاک شدند. شیخ طوسی در کتاب غیبت می‌نویسد: معتز اراده کرد حضرت را به قتل برساند؛ ولی سه روز بعد، از خلافت برکنار شد. البته حضرت، پیش از برکناری خلیفه، یارانش را از این امر آگاه کرده بود. علی بن محمد بن زیاد صیمری در کتاب «اوصیاء» چنین می‌نویسد: مهتدی می‌خواست حضرت را به شهادت برساند؛ امام به یارانش فرمودند: تا پنج روز دیگر می‌میرد. البته چنان شد که حضرت فرمودنده بود. با پایان یافتن پنج روز مهتدی به قتل رسید. شیخ حر عاملی می‌گوید: از عمر بن محمد بن زیاد صیمری نقل شده است که گفت: به منزل عبدالله بن طاهر وارد شدم. در برابرش نامه‌ای از امام عسکری (علیه السلام) یافتم که در آن نوشته بود: «من برای این سرکش از خداوند مرگ خواسته‌ام؛ تا سه روز دیگر خداوند او را نابود می‌کند.» روز سوم مستعین از خلافت برکنار شد، در دام بلاها گرفتار آمد و سرانجام به هلاکت رسید. شیخ همچنین از احمد بن حسین بن‌عمر چنین نقل می‌کند: هنگامی که معتزفرمان داد حضرت را به سعید حاجب بسپارند تا به کوفه برده، در قصر ابن‌هبیره به قتل رساند .... ابوالهیثم بن سبانه برای حضرت نوشت: خدای مرا فدایتان سازد، خبری به ما رسیده و ما را اندوهگین و مضطرب ساخته است! حضرت در پاسخ نوشت: پس از سه روز، برای شما گشایش پدید می‌آید. روز سوم معتز برکنار شد. شیخ طوسی در کتاب ارشاد می‌نویسد: احمد بن محمد می‌گوید: هنگامی که مهتدی عباسی کشتن شیعیان را آغاز کرد، به‌امام عسکری (علیه السلام) نوشتم: خدای را سپاس که وی را از آزارها منصرف ساخته است،زیرا به من خبر رسیده که شما را تهدید می‌کند و می‌گوید: «به خدا سوگند،اینها [آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)] را از روی زمین برمی‌اندازم.» حضرت به خط خویش چنین پاسخ‌داد: «این عمرش [از آنکه بتواند به مرادش دست یابد] زودتر به پایان می‌رسد. از امروز تا پنج روز بشمار، روز ششم با خواری به هلاکت خواهد رسید.» چنان شد که حضرت نوشته بود.

تقیه شدید امام

عملکرد حضرت در عصر خویش نیز فضای خفقان آن روزگار را نشان می‌دهد. مسعودی از محمد بن‌عبدالعزیز بلخی چنین نقل می‌کند: روزی صبحگاهان در خیابان‌غنم نشسته بودم، امام عسکری (علیه السلام) از خانه بیرون آمده، می‌خواست به «باب‌العامه» برود. با خود گفتم: اگر فریاد کشم و بگویم: «ای مردم این حجت خدا بر شماست، او را بشناسید.» مرا خواهند کشت. وقتی نزدیک من رسید، با انگشت سبابه به من اشاره فرمودند و سپس بر دهانش قرار داد؛ یعنی خاموش باش. من پیش شتافتم و بر پایش بوسه زدم، فرمودند: اگر آشکارا بگویی، کشته می‌شوی. همان شب خدمتش رسیدم، فرمودند: [دو راه بیشتر نیست] یا کتمان یا مرگ؛ پس خود را حفظ کنید. داود بن‌اسود یکی از خادمان امام عسکری (علیه السلام) که وظیفه هیزم کشی را بر عهده داشت، می‌گوید: روزی حضرت تکه چوبی مدور، بلند و کلفت به من داد و فرمودند: این را به عثمان بن سعید عمری برسان. در کوچه استر سقایی راه را بر من بست. سقا از من خواست حیوان را کنار بزنم. من با همان تکه چوب بر پشت استر زدم تاکنار برود؛ ولی ناگهان چوب شکست و نامه‌های حضرت، که در میان آن بود، آشکارشد. شتابان آنها را در آستین پنهان کردم و سقا نیز بد گفتن به من و حضرت را آغاز کرد. وقتی خدمت حضرت رسیدم، فرمودند: چرا با چوب به استر زدی. آنگاه سفارش کرد: اگر کسی به ما اهانت کرد اعتنا نکن ... ما در دیار بدی می‌باشیم، تو تنها به کار خویش بپرداز و بدان که گزارش کردارت به ما می‌رسد.

امام و زندانهای خلفا

امام عسکری (علیه السلام) بخشی از دوران امامتش را در زندانهای طاغوتیان عباسی به سر برد. مدتی نیز، که در ظاهر خارج از زندان بود، تحت مراقبت شدید قرار داشت. شیخ مفید می‌نویسد: امام عسکری (علیه السلام) را به نحریر، یکی از غلامان مخصوص خلیفه و مسؤول نگهداری ازحیوانات درنده و شکاری دربار، سپردند؛ نحریر بسیار بر او سخت می گرفت و آزارش می‌داد. همسرش گفت: وای بر تو، از خدا بترس؛ مگر نمی‌دانی چه شخصیتی به خانه‌ات گام نهاده؟ آنگاه گوشه‌ای از فضایل حضرت را بازگو کرد و گفت: من در مورد او و رفتاری که با وی می کنی، بر تو بیمناکم. نحریر گفت: به خدا سوگند، او را در میان درندگان خواهم افکند و چنین نیزکرد. پس از مدتی، وقتی به جایگاه درندگان مراجعه کرد تا دریابد چه بر سرامام آمده، دید حضرت میان درندگان به نماز ایستاده است. احمد بن‌حارث قزوینی می گوید: با پدرم در سر من رای (سامرا) بودیم. پدرم دراصطبل امام عسکری (علیه السلام) کار می کرد. مستعین عباسی استری داشت که از نظر زیبایی و زرنگی بی‌نظیر بود، ولی وحشی می‌نمود و سواری نمی‌داد. وقتی تلاش مسؤولان برای رام ساختنش بی‌نتیجه ماند، یکی‌از ندیمان خلیفه گفت: چرا این کار را به حسن (علیه السلام) واگذار نمی کنی تا بیاید یا سوار استر شود و رامش سازد یا استر او را هلاک کند و تو آسوده خاطر شوی. خلیفه در پی حضرت فرستاد. پدرم نیز همراه حضرت رفت. پدرم گفت: وقتی وارد شدیم،امام نگاهی به استر، که در حیاط ایستاده بود، افکند، پیش رفت و بر کفلش دست نهاد. در این لحظه عرق از پیکر استر سرازیر شد. سپس حضرت نزد مستعین رفت. مستعین او را پیش خویش نشاند و گفت: ابومحمد، این استر را مهار کن! حضرت به پدرم فرمودند: غلام، استر را مهار کن. مستعین گفت: خودت مهار کن. حضرت پوستین بر زمین نهاد، برخاست، بر استر دهنه زد و به جای خویش بازگشت. مستعین گفت: ابومحمد، استر را زین کن. حضرت فرمودند: غلام، زینش کن. اما خلیفه گفت: خودت زینش کن. پس امام برخاست؛ استر را زین کرد و بازگشت. مستعین گفت: آیا صلاح می‌دانی که سوارش شوی؟ حضرت فرمودند: آری. آنگاه سوارش شد، آن را دوانید .... سپس برگشت و پایین آمد. مستعین گفت: ابومحمد، استر را چگونه دیدی؟ فرمودند: استری به این خوبی و چالاکی ندیده بودم؛ جز برای خلیفه شایسته نیست. مستعین گفت: خلیفه آن را به شما واگذار کرد. حضرت به پدرم فرمودند: غلام، استر را بگیر. پدرم گرفت و برد. علی بن‌عبدالغفار می گوید: وقتی صالح بن وصیف امام عسکری (علیه السلام) را زندان کرده بود،گروهی از عباسیان و منحرفان نزد صالح آمده، شکوه کردند که چرا بر امام سخت نمی گیری؟ او گفت: چه می‌توانم انجام دهم؟ دو نفر از بدترین کسانی که به آنها دسترسی داشتم، بر او گماشتم؛ اما اینان اهل نماز و روزه شدند. وقتی علت را پرسیدم، گفتند: چه می گویی درباره مردی که روزها روزه می گیرد و شبها نمازمی‌خواند و وقتی که به وی می‌نگریم، بدن ما می‌لرزد چنانکه گویا از خود بی‌خود می‌شویم. وقتی عباسیان و منحرفان این سخنان را شنیدند، نومید از سرای وصیف بیرون رفتند. محمد بن‌اسماعیل علوی می گوید: امام عسکری (علیه السلام) را نزد یکی از سرسخت‌ترین دشمنان‌آل ابوطالب زندانی ساختند و سفارش کردند که چنین و چنان آزارش ده. هنوز بیش از یک روز از در بند بودن امام نگذشته بود که زندانبان پیرو امام شد. او چنان نزد امام خاضع بود که برایش به خاک می‌افتاد و جز برای بزرگداشت به چهره حضرت نمی گریست. وقتی حضرت از زندان آزاد شد، این مرد بصیرتش از همه مردم به امام بیشتر بود .

شهادت امام

معتمد، که امام عسکری (علیه السلام) را در برابر دستگاه ستم پیشه عباسیان سدی نفوذ ناپذیر می‌دید، بر آن شد آخرین ضربه را بر حضرت وارد آورد و راه را برای تحقق آرمانهای پلیدش هموار کند. او امام را با زهر مسموم ساخت و چنان نمایاند که حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته است؛ ولی این توطئه نیز ناکام ماند و چهره واقعی وی بر همگان آشکار شد. احمد بن‌عبیدالله بن خاقان

می گوید:چون خبر وفات آن حضرت در شهر سامره پخش شد، رستاخیزی در شهر پدید آمد و ازهمه مردم صدای ناله و شیون برخاست. خلیفه در پی فرزند نیکبخت آن حضرت برآمد و گروهی از ماموران را به خانه امام گسیل داشت تا وی را بیابند. خلیفه حتی زنان قابله را فرستاد تا از بارداری احتمالی کنیزان حضرت آگاه شوند ... آری، دشمنان نمی‌دانستند که پروردگار نور خود را کامل کرده است و گوهر تابناک الهی حضرت حجه بن‌الحسن المهدی (علیه السلام) پنج‌سال پیش بدین جهان گام نهاده، اینک پس از شهادت پدر گرامی‌اش بر جایگاه والای امامت تکیه زده است. در پایان بجاست مانند حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) ، که هنگام خروج از زندان معتمد آیه «یریدون لیطفئوا نورالله بافواههم والله متم نوره و لو کره الکافرون» را نگاشت، ما نیز آیه شریفه را به خاطر آوریم و برای سلامتی و ظهور کامل کننده نهایی نور هدایت حضرت مهدی (علیه السلام) دعا کنیم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹